



همت مضاعف، یعنی چه؟



اگر این چرخ زنگ زده
را فقط کمی جابجا
کنیم...

تجهیز منابع، رواج تخصیص منابع به صورت دستوری و تحمیلی و غیر بهینه، عملکرد ضعیف در ارائه خدمات، از دست دادن رضایت مشتریان، ناتوانی در جذب نیروهای مناسب، به ویژه در سطح مدیریت، آشفتگی مرز مسؤولیت‌ها و اختیارات، عدم پاسخگویی، پنهانکاری و عدم شفافیت، بلیسوی قوانین و مقررات ناسخ و منسوخ و بعضایی معنی، فراموش کردن وظیفه اصلی بانکداری و فرورفتن در نشئه بنگاهداری، سرسپردگی به جریانات واسطه‌ای و دلالی و غفلت از فرآیند تولید، درک ناصحیح و حتی وارونه و معمول از مفاهیم بانکداری بدون ربا و دلخوش کردن به نقش ایوان و صوری شدن عقود و راه‌اندازی بانکداری الکترونیک ناقص و بانکداری خصوصی شبه خصوصی و وابسته، و سرانجام گرفتار آمدن در چنبره مطالبات معوق غیر موجه و خوردن کفگیر به ته دیگ.

بنابراین، امروز با ملاحظه این کارنامه و با در نظر گرفتن

بعید است کسی هم صادق و منصف باشد، و هم ستایشگر سیستم بانکی کنونی؛ حتی آشپزها هم از شوری این آش می‌نالند؛ اتفاقاً شوری غیرقابل تحمل آش مورد بحث زیر سر همین آشپزهاست، یعنی گرفتاری سیستم بانکی کشورمان از آنجادی و انفجاری شد که چند آشپز بر سرش ریختند؛ وارد و ناوارد، صالح و طالح، مخلص و مغرض... و چنان کردند که چنین شد.

مبدأ قابل رؤیت این بحران، همان دولتی شدن بانکها است که اسمش را ملی شدن گذاشتند، و بعد هم تکانه دوم آمد که نامش حذف ربا از عملیات بانکی بود، و همه اینها هم بهانه‌ای شد برای سلب استقلال حرفه‌ای، چنگ انداختن بر منابع، انحصاری کردن بازار، و بعد هم پیامدهای آن، یعنی محروم ماندن صنف از نعمت رقابت، ناپایداری و دست‌نشاندهی مدیریت‌ها، ساختار مالی نامناسب از لحاظ کفایت سرمایه، رشد بی‌منطق هزینه‌ها نسبت به درآمدها، خاموش شدن انگیزه برای



**دنیا از حرکت باز
نمی‌ایستد تا ما
خودمان را اصلاح
کنیم و دوباره راه
بیفتیم؛ باید به
ناممکن‌ها بیندیشیم.**

هم‌چنین باید باور کنند که دنیا صبر نمی‌کند تا ما خودمان را اصلاح کنیم و دوباره راه بیفتیم؛ باید به ناممکن‌ها بیندیشند. اگر این چرخ زنگ زده را فقط کمی جابه‌جا کنند، گام‌های بعدی بسیار آسانتر خواهند بود. اگر سیستم بانکی ما با وجود جراحات و ناتوانی‌هایش، بتواند کاری را انجام بدهد که امروز غیرممکن به نظر می‌رسد، آن وقت آن تراژدی به حماسه بدل خواهد شد: پیروز شدن از مسیر شکست خوردن، همت مضاعف، یعنی همین و گرنه چرت زدن در گهواره عادات و سنت‌ها که همت مضاعف نمی‌خواهد!

در این شماره طی دو مقاله به ارزیابی عملکردهای کنونی و راهیابی برای آینده سیستم بانکی کشورمان می‌پردازیم، تا توشه‌ای باشد برای مردان راه.

سر دبیر

مضیقه‌های بیرونی سیستم بانکی، به نظر می‌رسد که همه عناصر چالش برانگیز و تهدید کننده برای ثبت یک تراژدی فراهم آمده‌اند، اما با همتی مضاعف، می‌توان از لابه‌لای همین چالش‌ها و تهدیدها، فرصت‌های ناب‌ی را آشکار کرد. بدیهی است که توفیق در این راه، محتاج بصیرت است: مدیران محترم سیستم بانکی باید اطمینان داشته باشند که مردم مواظبند، باید مردم و مشتریان را دوست داشته باشند تا مردم هم آنان را دوست بدارند. حکم گرفتن و پشت‌میز ریاست نشستن هنر نیست، بلکه یاد گرفتن هنر است، اصول زندگی چیزی نیست مگر یاد گرفتن. به قول بودا: تنها یک فضیلت وجود دارد که آگاهی است و یک گناه که جهل است. آن دسته از مدیران محترم سیستم بانکی که می‌خواهند در مسیر درست قرار بگیرند و در ست راه بروند، باید قویترین منتقد خود باشند و فراموش نکنند که لحظه تقابل نور با تاریکی است، یا باید راه اصلاح را در پیش گیرند یا بانارضایتی‌های فزاینده بسازند.